

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۵۱

۱۳۹۵ / ۰۱ / ۱۶

- جلوه‌گری آیات الهی در فصل بهار
- بهره توحیدی انسان مؤمن از بهار
- توقع خداوند از مؤمنان در بهار طبیعت
- تلاقی بهار طبیعت و بهار معنویت
- اهمیت حفظ حرمت ماه رجب، شعبان و رمضان
- عنایت خداوند به کسی که ماه رجب و شعبان و رمضان را بزرگ دارد
- رجب، ماه خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمده

فِي شَيْءٍ؛ خدای من با توجه به گونه‌های مختلف آثار و جایجایی آن دانسته‌ام که منظور تو از من این است که من تو را در هر چیز بشناسم تا به تو در هیچ چیز جاهل نباشم». آیات و نشانه‌ها و جلوه‌ها در بهار فراوان است. معمولاً در ادبیات عرفانی ما، از این نشانه‌ها به زلف تعبیر می‌کنند.

این یک طرف است و طرف دیگر هم تطور فوق العاده و انقلاب محسوسی است که در طبیعت رخ می‌دهد. حضرت فرمودند من از همه‌ی اینها این را دانستم که خواسته‌ای خودت را به من نشان دهی و معرفی کنی تا من در هیچ چیزی تو را گم نکنم و از تو غافل نشوم.

این البته در همه‌ی فصول هست و ناظر به آیات آفاقی در همه‌ی فصول است؛ چنان‌که ناظر به آیات انفسی در همه‌ی حالات است. قرآن نیز می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» [۱] به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در

خوشحالیم که شما را در سال ۱۳۹۵ زیارت کردیم. یک سال بود شما را ندیده بودیم! می‌بینیم که بحمدالله، شما نو و تر و تازه، مانند بهار، زیبا و باطراوت و بانشاط هستید. ان‌شاءالله همیشه همین‌طور باشید.

جلوه‌گری آیات الهی در فصل بهار

فصل بهار حاوی اشارات و الهامات فراوانی برای اهل معرفت است. خدای متعال، یک نمایشگاه بسیار بزرگ از جلوه‌های اسماء خودش را در منظر دید سالکین قرار می‌دهد. بهار این گونه است و شما به هر جا نگاه می‌کنید، با جلوه‌های گوناگون اسماء الهی روبرو هستید. حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در قطعه منسوب به ایشان در مناجات عرفه، تعبیرشان این است که: «إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ لَا أَجْهَلَكَ

عین همین بهاری است که جلوی چشم شما است و چیز عجیبی نیست. جالب است که در بهار، این اتفاق به صورت ناگهانی و جهشی رخ می‌دهد. قرآن به این مطلب به این صورت اشاره کرده است: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» [۴] و زمین را خشکیده می‌بینی و [لی] چون آب بر آن فرود آوریم، به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند و از هر نوع [رستنی‌های] نیکو می‌رویاند». یک باره رویش اتفاق می‌افتد و قیامت هم عین همین است. آنهایی که در قیامت شک دارند، بهار را ببینند. هر سال هم خدای متعال این را پیش چشم شما تکرار می‌کند.

توقع خداوند از مؤمنان در بهار طبیعت

خداوند تبارک و تعالی از ما توقع دارد عقلمان را به صحنه‌ی طبیعت ببریم. هم خودمان برویم و هم عقلمان را با خودمان داشته باشیم. بعضی‌ها به سمت طبیعت می‌روند، اما فاقد العقل هستند و

دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است». اما بهار اوج این ارائه‌ها و جلوه‌گری‌ها است. نام مقدس المّحیی را می‌شود در آینه‌ی بهار به تماشا نشست؛ و همچنین نام مقدس «الرحمن»، «الرحیم» «اللطف» و «الجمیل». هنگامی که لطافت و طراوت یک غنچه یا یک گل تازه یا یک برگ تازه را که جوانه می‌زند، مشاهده می‌کنید، خیلی بهتر می‌شود این اسماء الهی را درک و مشاهده و حس کرد. نام مقدس «البدیع» و «المُعطي» و «الکریم» هم همین‌طور است و در بهار بهتر مشاهده و دریافت می‌شود.

بهره توحیدی انسان مؤمن از بهار

بهار یک فرصت بسیار مغتنم است. انسان سالک، هم برداشت‌های مبدئی دارد و هم برداشت‌های معادی. «كَذَلِكَ الْخُرُوجُ» [۲] رستاخیز [نیز] چنین است و «كَذَلِكَ النُّشُورُ» [۳] رستاخیز [نیز] چنین است» به این مطلب اشاره دارد که قیامت

و لقاء و دیدار است. انسان با خدای متعال ملاقات و دیدار می‌کند و به ملاقات حضرت حق می‌رود.

این مقدار اگر نباشد، حکایت از تنبلی و بی‌عاری دارد. این پا را خدای متعال داده تا انسان حرکت کند و سیر کند و بعد هم عقلش را با تفکر به حرکت درآورد؛ چراکه حرکت عقل هم فکر است. هم قدم جسمی و هم قدم عقلی اگر به حرکت بیاید، آن وقت چه خواهد شد؟! از این سفره‌ی پر فیض و پر برکت و باطراوت بهره‌مند می‌شوید. این نکته‌ی اول بود.

تلاقی بهار طبیعت و بهار معنویت

نکته‌ی دوم اینکه امسال ما تلاقی دو بهار داریم که خیلی شیرین است. یعنی شما از همین فروردین، یک بهار دیگر برایتان در حال تحقق است و به زودی در همین هفته‌ی آینده وارد آن بهار می‌شوید که آن هم یک فصل است و سه ماه دارد که یکی از یکی زیباتر، باطراوت‌تر، بافضیلت‌تر، پرآیه‌تر و پربرتر

عقلشان محجوب و خواب است. نصیب اینها غیر از برداشت‌های ظاهری و حیوانی نیست. به تعبیر قرآن: «ذَلِك مَبْلُغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ» [5] این منتهای دانش آنان است. برداشت اینها همین قدر است؛ زیرا: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» [6] از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند. فهم و برداشت اینها در همین حد ظاهری است. این مقدار فهم را که حیوانات هم دارند. اما از من و شما، خدای متعال توقع دارد که عقلمان را بیاوریم و حاضر کنیم. اگر عقل انسان حاضر شود، عبور از ظاهر به باطن رخ می‌دهد و انسان به معنای دقیق کلمه سالک می‌شود. این چیزی است که در اصطلاح قرآنی از آن به «عبرت» تعبیر می‌شود. خدای متعال از انسان توقع عبرت در برابر آیات را دارد و عبرت هم دقیقاً به معنای عبور از ظاهر به باطن است. اگر شما موفق شدید سلوک عقلی داشته باشید، محصولش عبرت است و محصول نهایی آن هم وصال

لَهُ هَذِهِ الشُّهُورُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،
وَكَانَ رَجَبٌ وَشَعْبَانُ وَشَهْرُ
رَمَضَانَ شُهُودَهُ بَعْظِيمِهِ لَهَا».[۷]

روایت با معرفت شروع شده است. یعنی معرفت حرمت یعنی جایگاه و شأن و رتبه و بزرگی رجب و شعبان. جالب است در این روایت بین رجب و شعبان با ماه رمضان فرق گذاشته شده است. جالب است که رجب و شعبان به تنهایی یاد می‌شود، اما به رمضان که می‌رسد، می‌گوید: «شَهْرُ رَمَضَانَ». در روایت دیگر است که رمضان نام خدا است؛ بنابراین بگویید: «شَهْرُ رَمَضَانَ».[۸]

کسی که حرمت آن دو ماه را بشناسد - یعنی عارف به عظمت و ویژگی‌ها و آداب آنها باشد و حرمتشان را بشناسد و حقشان را ادا کند - و آنها را به ماه مبارک رمضان وصل کند، این سه ماه، در قیامت، برای او شهادت می‌دهند...

بعد حضرت سیما و تصویر قیامتی مسئله را ارائه کردند و فرمودند: «وَ يُنَادِي مُنَادٍ: يَا رَجَبُ يَا شَعْبَانَ وَيَا شَهْرَ رَمَضَانَ

است. با رجب المکرّم شروع می‌شود و با شعبان المعظم ادامه پیدا می‌کند و به رمضان المبارک می‌رسد. بهار در بهار می‌شود! این بهار هم دارد می‌رسد و چهار قدم دیگر بین ما و آن بهار باطن فاصله نمانده است. همان طور که شما برای بهار طبیعت آماده می‌شوید و رسوم نوروزی، مثل خانه‌تکانی و صلّه ارحام دارید که مورد تأیید شرع هم هست، برای استقبال از این بهار هم باید آماده شوید و به استقبالش بروید. انسان اینجا هم باید خانه‌تکانی کند و دل و ذهنش را آماده سازد و تمنا را در خودش شکل دهد، برای استقبال از بهار معنوی و معنویتی که پیش رو است.

اهمیت حفظ حرمت ماه رجب

من روایتی می‌خوانم که فصلی است و کاملاً با بحث امروز ما تناسب دارد و جذاب است.

از پیامبر عزیزمان نقل شده است که فرمودند: «إِنَّ مَنْ عَرَفَ حُرْمَةَ رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَوَصَلَهُمَا بِشَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ شَهِدَتْ

خدای متعال جداگانه از آنها هم نظر می‌خواهد. جمع نظر این ماه‌ها و فرشتگان موکل، نتیجه‌اش می‌شود وضعیت خاصی که برای این بنده در قیامت رقم می‌خورد. این جملاتی که رجب و شعبان و رمضان می‌گویند، دارد راهنمایی می‌کند که در این ماه‌ها بنده‌های عارف چه کار می‌کنند و وقتی از زبان فرشته‌ها می‌شنوید، تکمیل می‌شود.

اقدام اول سالک:

این ماه‌ها دارند صحبت می‌کنند و می‌گویند: «مَا تَزُودُنَا إِلَّا اسْتِعَانَةً عَلَي طَاعَتِكَ» یعنی این بنده‌ها در جستجوی توان بودند برای طاعت تو. یعنی در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان توان‌یابی کردند برای طاعت. معلوم می‌شود خدای متعال در این سه ماه، بندگان خود را برای راه یافتن به مقام شامخ طاعت اعانه و یاری می‌کند. توشه چیست؟ توشه‌ی این سه ماه برای سالک، این توان دادن به او است. ویژگی این بنده‌ها این است که به خاطر معرفت و

كَيْفَ عَمِلَ هَذَا الْعَبْدُ فِيكُمْ وَ كَيْفَ كَانَتْ طَاعَتُهُ لِهٖ عَزَّ وَ جَلَّ؟». از اینجا معلوم می‌شود که این ماه‌ها دارای هویت مستقل و حیات باطنی و شعور هستند. در این عالم همه‌چیز شعورمند است؛ هم زمین و هم زمان. منادی این ماه‌ها را خطاب می‌کند و می‌گوید این بنده‌ی ما در شما چطور عمل کرد؟ چطور با شما رفتار کرد؟ طاعتش در شما چگونه بود؟

رجب و شعبان و رمضان به سخن می‌آیند و پاسخ می‌گویند: «فَيَقُولُ رَجَبٌ وَ شَعْبَانٌ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ: يَا رَبَّنَا مَا تَزُودُنَا إِلَّا اسْتِعَانَةً عَلَي طَاعَتِكَ وَ اسْتِمْدَادًا لِمَوَادِّ فَضْلِكَ، وَ لَقَدْ تَعَرَّضَ بِجَهْدِهِ لِرِضَاكَ، وَ طَلَبَ بِطَاقَتِهِ مَحَبَّتَكَ».

دوستان که اهل نکته و دقیق هستند عنایت دارند که ما دو پاسخ اینجا داریم. یکی شهادت خود این ماه‌ها درباره‌ی این بنده است که شناخته و رعایت کرده و دوم هم شهادت فرشتگان موکل به ماه‌های رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان است که

شناختی که داشتند، از این ماه‌ها کمک گرفتند.

اقدام دوم سالک:

دومین مورد «وَأَسْتَمْدَادًا لِّمَوَادِّ فَضْلِكَ» که تعبیر خیلی جالبی است. بنده‌ها در این ماه استمداد خواستند و یکی از توشه‌هایشان مددیابی است که خیلی نزدیک توان‌یابی است؛ منتها تنوعی است برای تعبیر لطیفی که اینجا هست. استمداد داشتند برای ماده‌هایی که تو از فضل خودت آماده کرده بودی. معلوم می‌شود که در این سه ماه، علاوه بر آن اعانات، از فضل خدای متعال، سفره‌هایی انداخته شده و به طور خاص آماده شده است. اینها را می‌گویم تا این شب‌ها به درگاه خدای متعال بروید و تضرع کنید تا به شما عمر دهد و این ماه‌ها را درک کنید. بین ما و این ماه‌ها نفس‌هایی است و ممکن است این نفس برای کسی نباشد.

بِجُهْدِهِ لِرِضَاكَ؛ خدا یا ما شهادت می‌دهیم که این بنده‌ی تو با تمام توان خودش سعی کرد تو را راضی کند. «وَأَطْلَبَ بِطَاقَتِهِ مَحَبَّتَكَ» تمام توان و طاقت خود را آورد تا به محبت تو برسد و باب دوستی با تو را باز کند.

اینها سخن این سه ماه بود که عبارت از استعانت و استمداد و تعرض و طلب بود؛ استعانت برای طاعت؛ و استمداد در بهره‌برداری از مواد فضل و از آن اضافه‌ها و زیاده‌های مجانی که باید بخواهی؛ و تعرض یعنی خود را در معرض رضای الهی قرار دادن با جهد و کوشش و تلاش که این کوشش هم عمدتاً شامل استغفار و روزه و احسان می‌شود؛ و طلب یعنی افتادن به دنبال دوستی و جلب محبت خدا و ورود به رفاقت خدای متعال.

عنایت خداوند به کسی که ماه رجب و شعبان را بزرگ دارد

از این به بعد خدای متعال به فرشته‌های موکل رجب و شعبان

اقدام سوم سالک:

سومین مورد «وَلَقَدْ تَعَرَّضَ

می خورد؛ اما این کافی نیست. از این روایات استفاده می شود که انسان باید در رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، خودش را در دریای طاعت الهی غرق کند. «مُجْتَهِدًا فِي طَلَبِ رِضَاكَ»؛ این بنده ی تو برای تحصیل رضای تو، تمام کوشش خود را به خرج داد. مجتهد و اجتهاد به معنای استفرغ الوسع است. کلمه ی استفرغ در فارسی خیلی خوب نیست و ما خیلی استفاده نمی کنیم؛ اما استفرغ الوسع یعنی کسی که تمام وسع و توان خود را استفاده کند و به میدان بیاورد. یک کوشش عادی نیست و اجتهاد می خواهد. حالا فرشته ها دارند این بنده ی موفق را معرفی می کنند تا در قالب این حدیث تصویری به زبان پیامبر اعظم (ص) بیاید و به من و شما برسد تا بدانیم که اگر بخواهیم در این سه ماه موفق عمل کنیم، چه باید بکنیم. فرشته ها می گویند ما دیدیم که ایشان تمام توان خود را برای رسیدن به رضای تو به کار گرفته است. «صَائِرًا فِيهِ إِلَى الْبِرِّ وَ

و ماه مبارک رمضان خطاب می کند و نظر آنها را می خواهد. «فَيَقُولُونَ يَا رَبَّنَا صَدَقَ رَجَبٌ وَ شَعْبَانٌ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ» فرشته های موکل می گویند: رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان در مورد این بنده راست گفتند. «مَا عَرَفْنَاهُ إِلَّا مُتَقَلِّبًا فِي طَاعَتِكَ» آنچه ما از این بنده تو فهمیدیم، این بود که غرق در طاعت تو شده بود. تقلب یعنی از حالی به حال دیگر شدن. فرشته های موکل می گویند می دیدیم در رکوع بود و به سجده می رفت و در صوم و تلاوت و خدمت رسانی به بندگان بود. پیگیر آرمان های ولی تو و در پی تحصیل رضای حجت تو بود. از این طاعت به آن طاعت و از این ذکر به آن ذکر و از این عمل به آن عمل. معنای این آن است که انسان باید خودش را در وجوه طاعات غرق کند؛ نه اینکه از کنار طاعت ها رد شود و برداشتی بکند. گاهی انسان در کنار ساحل قدمی می زند و نفسی می کشد و تماشایی می کند و نسیمی به او

ماه‌ها همه‌ی گناهان آمرزیده می‌شود و همه‌ی کمی‌ها تکمیل می‌شود و همه‌ی کژی‌ها راست. قلب چنین بنده‌ای مملو از امید به عفو و مغفرت تو بود. دارد آیین ورود به بهار معنویت را یاد می‌دهد.

«وَ كَانَ مِمَّا مَنَعَتْهُ فِيهَا مُمْتَعًا»؛ ایشان در این ماه‌ها از آنچه که تو منع کرده بودی، کاملاً خود را ممنوع کرده بود. از انواع و اقسام گناهان ظاهری و باطنی امتناع داشت. این ممتنع با ممتنع فارسی فرق می‌کند. در فارسی رأی را سه قسمت می‌کنیم و می‌گوییم یا قبول کرد یا رد کرد یا ممتنع بود؛ یعنی فرقی نمی‌کند یا یک حالت اعتراضی است. درحالی‌که امتناع در اینجا به معنای کف نفس و خودداری به تمام معنا است؛ گرچه در فارسی هم شاید به معنای خودداری از ابراز نظر باشد. به هر حال می‌فرماید از آنچه تو منع کرده بودی، کاملاً خود را حفظ کرده بود.

«وَ إِلَيَّ مَا نَدَبْتَهُ إِلَيْهِ فِيهَا مُسْرِعًا»؛ در آنچه تو پسندیدی

الإحسان»؛ صائری یعنی شتابنده، کسی که حرکتی پر شتاب و قوی دارد. ما دیدیم که ایشان در این ماه‌ها پر شتاب به سمت برّ و احسان حرکت می‌کند. هر جا برّ و احسانی باشد، او به سمت آن می‌رود.

«وَ لَقَدْ كَانَ يُوصِلُهُ إِلَىٰ هَذِهِ الشَّهْرِ فَرِحًا مُّبْتَهَجًا»؛ ما دیدیم ایشان در وصال آیین ماه‌ها سراپا غرق شادمانی است و مثل داماد یا عروسی است که به حجله می‌رود. تعبیر «فرحاً» یعنی غرق شادمانی و ابتهاج. حالت رقص معنوی را می‌گویند و آن گشادگی و شکفتگی که از نظر روانی برای انبسان فراهم می‌شود.

«أُمَّلَ فِيهَا رَحْمَتَكَ»؛ ما دیدیم این فرد شادی‌کنان و کف‌زنان و دهل‌زنان به سمت این ماه‌ها آمد. این‌طور از این ماه‌ها استقبال کرد که نمایندگان فیض و فضل و لطف و کرم تو بودند. سراپای او غرق آرزوی رحمت تو بود و آرزوی رحمت تو را داشت. «وَ رَجَا فِيهَا عَفْوَكَ»؛ به تعبیر ما با یک دنیا امید به سمت بخشش تو آمده بود. در این

گرفته بود.

«وَلَقَدْ ظَمِيَءَ فِي نَهَارِهَا وَ نَصَبَ فِي لَيْلِهَا»؛ روزها تشنه بود، شب‌ها هم مشغول عبادت بود و بر خود سخت می‌گرفت.

«وَكَثُرَتْ نَفَقَاتُهُ فِيهَا عَلَى الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ»؛ در این سه ماه نسبت به فقرا و مساکین هر چه توانست، انفاق کرد و به آنان رسیدگی کرد.

«وَعَظَمَتْ أَيَادِيهِ وَ إِحْسَانُهُ إِلَى عِبَادِكُمْ»؛ از هیچ نوع کارگشایی و دستگیری و محبت و لطف نسبت به بندگان تو کم نیامد. خیلی رسیدگی‌ها و اعانات و احسان او بزرگ بود. این عظمت، متناسب با امکان و توان و جیب شخص تعریف می‌شود. متناسب با امکانش، رسیدگی‌اش خیلی بزرگ بود. البته دقت کنید که فقرا و مساکین را اول آورد و در مورد دوم همه‌ی بنده‌ها را بیان می‌کند؛ یعنی به کوچک و بزرگ و فقیر و غنی هر چه توانست خدمت کرد.

«صَحْبَهَا أَكْرَمَ صُحْبَةٍ»؛ با این ماه‌ها خیلی کریمانه رفتار کرد.

«وَ وَدَّعَهَا أَحْسَنَ تَوَدِّيعٍ»؛

و تشریح کردی، تسریع می‌کرد. در روزه و اعتکاف و تلاوت مسرع بود و در انجام آنها سرعت داشت.

«لَقَدْ صَامَ بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ وَ سَمِعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ سَائِرَ جَوَارِحِهِ»؛ ما شهادت می‌دهیم که این بنده‌ی تو در این سه ماه روزه بود. هر چه که توانست روزه‌ی بطنی یعنی روزه‌ی ظاهری گرفت که از خوردن و آشامیدن استنکاف می‌کنیم.

آنها که موفق هستند، هر سه ماه را روزه می‌گیرند و وارد هم شده است. ماه مبارک رمضان که واجب است و به جای خودش. در بین ماه رجب و شعبان، روزه ماه رجب تأکید بیشتر دارد. غرض اینکه فرشتگان شهادت می‌دهند که علاوه بر روزه بطنی، از نظر جنسی هم روزه گرفت و عقیف بود و گوشش هم روزه داشت و حرف‌هایی را که تو نمی‌پسندیدی، اصلاً نشنید و چشمش هم روزه داشت و سایر جوارح او هم روزه بود؛ یعنی از غیر رضای تو خودش را کاملاً حفظ کرده بود و روزه

می‌گویند او عجب بنده خوبی بود!

من این روایت را که می‌خواندم، خیلی کیف می‌کردم؛ چراکه به ما نشان می‌دهد شهادت اینها در پیشگاه خدای متعال یعنی اینکه خدا می‌خواهد اینها را به رخ بکشد؛ و گرنه خدای متعال به شهادت فرشته‌ها و ماه‌ها نیاز ندارد؛ اما صحنه‌آرایی می‌کند برای اینکه بنده‌ی خودش را به رخ بکشد و مطرح کند.

اینجا به من و شما گفته نشده که چه کسانی این صحنه‌ی شهادت را می‌بینند و آن هم خودش تماشایی است.

«فَعِنْدَ ذَلِكَ» وقتی این شهادت‌ها تمام شد، «يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَذَا الْعَبْدِ إِلَى الْجَنَّةِ» خدای تعالی امر می‌کند که این بنده مرا بگیرد و او را به بهشت بریزد.

بهشت چهار قدم با شما فاصله دارد. رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، قلب بهشت خدا در دل این جهنم دنیا است. آقا (حفظه الله تعالی) همین تعبیر را داشتند که بهشت خداوند در همین جهنم

تا وقتی بودند خیلی با آنها رفیق بود و هر کدام هم که می‌خواست برود، در وداع غوغا می‌کرد. از استقبال که قبلاً گفتیم و از مصاحبت هم الان گفتیم و حالا از وداع می‌گوید.

تودیع‌های امام سجاد (علیه السلام) با ماه مبارک رمضان در صحیفه خواندنی است. ضجه می‌زنند و اشک می‌ریزند و ناله سر می‌دهند.

«أَقَامَ بَعْدَ انْسِلَاخِهَا عَنْهُ عَلِيٌّ طَاعَتَكَ، وَ لَمْ يَهْتِكْ عِنْدَ إِدْبَارِهَا سُتُورَ حُرْمَاتِكَ»؛ بعد از اتمام و انسلاخ این سه ماه، این طور نبود که او از عادات خود برگردد. در این سه ماه کاملاً تمرین کرد و نورانی شد و بعد از خروج از این سه ماه هم محرّمات را رعایت می‌کند. برخی این طور هستند که ماه مبارک رمضان رعایت می‌کنند، اما بعد از عید فطر، انگار رُفع القلم شد و کسی که همه‌ی سحرها بیدار بود، حالا تا لنگ ظهر می‌خوابد و همه‌ی نمازهای او لب‌طلایی می‌شود!

«فَنِعْمَ الْعَبْدُ هَذَا»؛ فرشته‌ها

دارد می‌رسد، بر همه‌ی شما مبارک باشد. عطر این بهار از چند فرسخی اهلش را دیوانه کرده و رجبیون الان دیوانه و مست هستند. ماه مبارک رمضان که تمام شد، از روز اول شوال، مست عطر رجب هستند.

ماه رجب ماه خود خود خود خدا است! شهر الله الاعظم! شهر الله الاکبر!

یک روزش را اگر روزه بگیرید، خدای متعال از چشمه‌ی بهشتی که از شیر سپیدتر و از عسل شیرین‌تر است، به شما می‌نوشاند. [۱۰]

«سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» [۱۱] پروردگارشان شراب طهور به آنها می‌نوشاند»، در مورد رجبیون است. خود خدا ساقی می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «رجب ماه استغفار است من است»؛ هر چه می‌توانید در این ماه استغفار کنید. [۱۲]

ماه رجب را «رجب الاصب» نامیده‌اند؛ چون مثل رگبار می‌ریزد و مانند بارش بهاری است و رحمت خدای متعال نازل می‌شود. [۱۳]

طبیعت است. حافظ می‌گوید: «من که امروز بهشت نقد حاصل می‌شود، وعده‌ی فردای زاهد را چرا باور کنم؟!». [۹] بهشت همین جا است.

«فَتَلَقَاهُ مَلَائِكَةُ اللَّهِ بِالْحَبَاءِ وَ الْكِرَامَاتِ، وَ يَحْمَلُونَهُ عَلَى نُجْبِ النُّورِ، وَ خِيُولِ النُّوَّاقِ»؛ ملائکه‌ی مخصوصی می‌آیند و خدمت این بنده می‌رسند و با مرکب‌های ویژه و لباس‌های خاص، ایشان را سوار می‌کنند و به سمت بهشت می‌برند؛ همان بهشتی که ابدی است و نعمت‌های آن تمام‌نشدنی است. ساکنان بهشت هیچ وقت از آنجا خارج نمی‌شوند و جوان‌های آنجا پیر نمی‌شوند و سُرورش هیچ وقت تمام نمی‌شود و تازه‌هایش هیچ وقت کهنه. در بهشت هیچ رنج و ناراحتی وجود ندارد.

در ادامه فرمود: «وَ كَرِّمٌ مُنْقَلَبُهُمْ وَ مَثْوَاهُمْ»؛ چه پایان گرمی و زیبا و خوبی داشتند.

رجب، ماه خدا

انشاءالله که پیشاپیش بهاری که



منابع و مأخذ

- [۱]. فصلت: ۵۳.
- [۲]. ق: ۱۱.
- [۳]. فاطر: ۹.
- [۴]. حج: ۵.
- [۵]. نجم: ۳۰.
- [۶]. روم: ۷.
- [۷]. محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ج ۱، ص ۱۱.
- [۸]. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، روایت ۷۴۴۲.
- [۹]. دیوان حافظ، غزل شماره‌ی ۳۴۶.
- [۱۰]. شیخ صدوق، ثواب الأعمال، ص ۸۲.
- [۱۱]. انسان: ۱۳.
- [۱۲]. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۸.
- [۱۳]. همان.

امیدواریم ما و شما جزء همان‌هایی باشیم که در این حدیث نورانی از زبان ماه‌ها و فرشته‌ها توصیف شد.

روزی که منادی ندا می‌دهد: «أَيُّنَ الرَّجِيونَ؟» ان‌شاءالله ما از کسانی باشیم که بلند می‌شویم و می‌گوییم ما هم بودیم. در روایت دارد که رجیون وقتی از جا بلند می‌شوند، چهره‌هایشان برای اهل محشر مثل ماه می‌درخشد. خداوندا، با همین رهبر عزیزتر از جان و زیر همین پرچم ما را به محضر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) برسان.

به محمد و آل محمد قَسَمْتُ می‌دهیم که خبرهای پیروزی پیاپی دوستان حضرت زهرا (سلام الله علیها) را در یمن و عراق و سوریه و لبنان و نیجریه و سراسر عالم به ما برسان و خبر هزیمت دشمنان آن حضرت، یعنی آمریکای جهان‌خوار، انگلیس خبیث، رژیم صهیونیستی، آل سعود ملعون، آل خلیفه‌ی کثیف و داعش پلید را به ما برسان.

پایان امر ما را به سعادت شهادت در راه خودت ختم بفرما.



افوغها؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۱۷ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر